

شهيد عبدالرحيم حاجيان



ازتباير علی
سمايه جامع سرداران و دوازدهم استان بوشهر

نام پدر	ابراهیم
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۷/۱۲
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۰/۰۴
محل شهادت	جزیره سهیل
مسئولیت	تک تیرانداز
نوع عضویت	پاسدار و وظیفه
شغل	—
تحصیلات	دیپلم
مدفن	برازجان

زندگینامه

بسم رب الشهداء

زندگینامه عبدالرحیم حاجیان :

شهید عبدالرحیم حاجیان در سال ۱۳۴۴ در شهر برازجان در خانواده ای مذهبی و کارگر متولد گردید تحصیلات ابتدایی را در دبستان هفت تیر و مقطع راهنمایی را در مدرسه شهید مدرس سپری نمود. سپس جهت ادامه تحصیل در دبیرستان امام خمینی برازجان مرحله جدیدی از مراتب علم و دانش را طی نمود سال چهارم متوسطه بود که همگام با بسیجیان دلباخته ضمن عضویت داشتن در پایگاه مقاومت کربلا در مورخه ۲۳/۱۱/۶۱ همزمان با عملیات پیروزمندان والفجر برای اولین بار به جبهه های نبرد اعزام و در تیپ المهدی (عج) در کنار رزمندگان سلحشور اسلام در واحد تخریب به خدمت پرداخت او از جمله ارادتمندان ائمه اطهار (ع) و خاندان عصمت و طهارت بود و در برپایی مراسم سوگواری سالار شهیدان ابا عبدالله حسین (ع) پیشگام بود و قلب او مالا مال از عشق به طریق سرخ شهیدان سرافراز بود وقتی در شهر بود و دور از جبهه های نبرد در جبهه دیگری که همان میدان مقدس امر به معروف و نهی از منکر است به انجام وظیفه می پرداخت. شوق و ذوق جبهه های جنگ و پیام های مکرر امام خمینی ایشان را همچون جوانهای پر شور دیگر به خود جذب می کرد تا اینکه مجدداً در تاریخ ۳/۵/۶۲ اعزام گردید و اینبار در غرب کشور شهر مهاباد و در تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی به گروه ضربت پیوست و به نبرد با گروهکهای فریب خورده کومله و دمکرات کردستان می پرداخت. در مرحله بعد عبدالرحیم به تاریخ ۲۴/۱۱/۶۲ زمان طرح لبیک ۱ اعزام و تا پایان مأموریتش همچنان به وظیفه دینی و مهینی خود ادامه داد. بار دیگر در مورخه ۱۲/۴/۶۳ خود را به جبهه های جنگ رساند و در واحد تخریب لشکر المهدی (عج) مشغول به خدمت شد تا بتواند با مراتب خلوص و ایثار که در این گروه به چشم می خورد بیشتر آشنا گردد. ایشان بعد از گذراندن دوره آموزشی تخریب جایی را بهتر از آنجا ندیده بود و تا پایان حضورش در این دنیای فانی در واحد تخریب مشغول به خدمت بود. هر بار که مرخصی می آمد و در پشت جبهه بود دلش لبریز از عشق آنجا و گفته هایش سراسر از دلاوریها و رشادتهای تخریبچی های گمنام زمان بود. در مورخه ۳۰/۱/۶۵ در منطقه عملیاتی فاو از ناحیه پا مجروح و مدتی را در بیمارستان بستری می شود. که بعد از بهبودی دوباره با روحیه مضاعف و عشقی والا خود را به جبهه های نور علیه ظلمت رسانده تا اینکه از قافله دلباختگان وصال دوست باز نماند.

چهارم دی ماه سال ۶۵ فرا رسید و عملیات متهورانه کربلای ۴ شروع گشت. نیروهای پرتوان اسلام می بایست با عبور از عرض اروندرود در آن طرف مرز به پیکار با دشمن بعثی پردازد و در این بین پیشگامان نیروها، تخریبچیان دلیر بودند. شهید عزیزمان در آن موقع به عنوان مسئول گروه موانع به همراه ۸ تن دیگر از همزمانش سوار بر قایق موتوری خود را به نیروهای دشمن رسانده و با برطرف کردن موانع ایذایی و منفجر کردن سدهای آهنین آنها راه را برای رسیدن لشکریان اسلام باز می کنند در همین موقع درگیری شدیدی رخ می دهد بطوری که تنی چند از دوستان شهید بعد از حماسه آفرینی های فراوان به شهادت می رسند و یکی دیگر از همزمانش هم مجروح می گردد، شهید برزگوار برای نجات دوستش به یاری او می شتابد و دیگر باز نمی گردد. ۱۱ سال می گذرد و هیچ خبری نمی آید و تنها نشان افتخار جاوید الاثر بودن شهید در دلها می ماند. سرانجام پیکر پاک و مطهرش توسط گروه تفحص شهدا در مهرماه ۱۳۷۶ بوطن بازگشته و در مورخه ۱۴/۷/۶۷ بخاک سپرده می شود. روحش شاد و راهش پررhubاد.

وصیت نامه

بسم رب الشهداء □
وصیت نامه شهید عبدالرحیم حاجیان:

اندکی صبر واستقامت، مرگ جز پلی نیست که شما را از ساحل درد ورنج به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های وسیع عبور میدهد. (امام حسین(ع))

سلام بر امام عصر امام زمان(عج) و سلام بر امام عزیز و شهیدان که با شهادتشان دلها را زنده میکنند. اگر سعادت نصیب شد که در راه خدا جان ناقابل را هدیه کنم از شما می‌خواهم که همیشه خدا را شاهد و حاضر بر اعمالتان بدانید و بدانید که همیشه نگهبان با شماست، پس تقوا را پیشه خود سازید و جبهه‌ها را گرم نگه دارید ما به جبهه احتیاج داریم نه جبهه به ما احتیاج دارد بدانید که خون هر شهیدی که به زمین میریزد مسؤولیت ما بیشتر و سنگین تر می‌گردد دنیا جای امتحان است و بقول پیامبر اکرم(ص) امروز وقت آمادگی است و فردا مسابقه است، مسابقه بر سر بهشت است و سرانجام باختگان دوزخ است، پس بکوشید که در این مسابقه پیروز باشید پس جبهه‌ها هستند که بهترین جا برای آمادگی است و چون دانشگاهی است که تربیت یافته‌گان این دانشگاه پیرو امام هستند و در این مسابقه پیروزند. برادران و خواهران! این انقلاب و اسلام با قیمت گرانی به دست ما رسیده است سعی کنید ارزش این انقلاب را حفظ کنید باید با کمبودها ساخت چون انقلاب ما خیلی بیش از اینها ارزش دارد اکنون به دنیا ثابت شده که انقلاب ما در مسیر صراط مستقیم حرکت میکند و مکتبی که شهادت برای آن سعادت باشد پیروز است و شکست برایش معنایی ندارد و این انقلاب یک فضل بزرگی است که نصیب این ملت بپا خواسته شده است، برادران و خواهران قدر این امام را بدانید که واقعاً همگی هر چه داریم از این امام است و امام بود که دل‌های ما را روشن کرد. و در آخر از کلیه دوستان و آشنایان می‌خواهم که مرا حلال کنند و برای سلامتی امام دعا کنید. به خانواده عزیزم توصیه میکنم که صبر را پیشه خود سازید و خدا را شکر کنید و امام را دعا کنید.

در اهتزاز باد پرچم سرخ و خونین لاله الا الله و واقعی شهادت.

رحیم حاجیان

خاطرات

بسم رب الشهداء

خاطره‌ای از زبان مادر شهید عبد الرحیم حاجیان:

مادرش چنین می‌گوید او همیشه به بسیج می‌رفت و نماز و روزه اضافی می‌خواند. هر وقت کسی با او کاری داشت اگر سر سفره هم بود بلند می‌شد و کارش را انجام می‌داد. وقتی می‌گفتم به جبهه نرو در جوابم می‌گفت: عکسهای را که به دیوار اتاقم زده بین همه اینها دوستهای من بودند، آنها هم پدر و مادر داشتند ولی رفتند من هم باید بروم. هیچ کس از او گله‌ای نداشت. دفعه آخر که می‌خواست به جبهه برود با دوستش سوار موتور شدند که حرکت کنند. من سببی را برداشتم و به او دادم او گفت مادر می‌دانم می‌ترسی که تند بروم اگر من بخواهم تند بروم در خیابان دور از چشم تو هم می‌توانم تند بروم و نترس. چند روز مانده به رفتنش گفت مادر من هفت روز روزه بدهکارم و باید بگیرم او تمام هفت روز را روزه گرفت و روز هشتم بود که راهی جبهه شد. همیشه می‌گفت باید روزه اضافی بگیرم شاید سال دیگر نتوانم روزه بگیرم.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران